

تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران

نوشته

فؤاد روحانی

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار	
۵	مفهوم ملی کردن و اصول حقوقی مربوط به آن	فصل اول
۴۸	يك سابقه ملی کردن صنعت نفت: اقدام دولت مکزیک از اعطای امتیاز داریسی تا الغای قرارداد شرکت	فصل دوم فصل سوم
۵۸	نفت انگلیس و ایران	
۱۰۳	رژیم پنجاه پنجاه یا تنصیف عواید	فصل چهارم
۱۰۹	شرح قانون ملی شدن صنعت نفت ایران	فصل پنجم
۱۱۶	شروع اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت	فصل ششم
۱۲۹	شرح اولین اقدامات شرکت نفت و دولت انگلستان علیه ایران	فصل هفتم
۱۳۴	وضع بین‌المللی صنعت نفت در تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران	فصل هشتم
۱۴۵	میسوین جکسن	فصل نهم
۱۵۲	اقدامات دولت بعد از شکست میسوین جکسن	فصل دهم
۱۶۸	روش دولت امریکا درباره ملی شدن صنعت نفت ایران	فصل یازدهم
۱۸۱	صدور قرار موقت از طرف دیوان دادگستری بین‌المللی	فصل دوازدهم
۱۸۸	وساطت هریمن و میسوین استوکس	فصل سیزدهم
	عواقب شکست میسوین استوکس، اشکالات اقتصادی، فعالیت جبهه مخالف دولت،	فصل چهاردهم
۲۰۹	عزیمت کارمندان انگلیسی	
۲۱۹	شکایت دولت انگلستان به شورای امنیت و سفر دکتر مصدق به امریکا	فصل پانزدهم
۲۲۸	جریان بقیه مسافرت دکتر مصدق به امریکا و مراجعت وی به ایران	فصل شانزدهم
۲۴۴	پیشنهاد بانک بین‌المللی عمران و توسعه	فصل هفدهم

۲۶۱	دیوان دادگستری بین‌المللی و موضوع صلاحیت آن در رسیدگی به دادخواست دولت انگلستان	فصل هیجدهم
	تشکیل مجلس هفدهم - حکومت چهار روزه قوام‌السلطنه - تجدید نخست‌وزیری دکتر مصدق	فصل نوزدهم
۲۸۰	پیشنهاد قرومن و چرچیل	فصل بیستم
۲۹۶	سازمان بین‌المللی کار و مسئله نفت ایران	فصل بیست و یکم
۳۱۳	قطع روابط سیاسی با انگلستان	فصل بیست و دوم
۳۱۹	دومین پیشنهاد مشترک انگلستان و امریکا	فصل بیست و سوم
۳۲۸	تطبیق پیشنهادها با اصول ملی شدن صنعت نفت	فصل بیست و چهارم
۳۳۹	آخرین کوشش دکتر مصدق برای حل مسئله غرامات	فصل بیست و پنجم
۳۴۳	وضع دوزۀ دوم زمامداری دکتر مصدق	فصل بیست و ششم
۳۵۰	وضع مالی و اقتصادی کشور در سالهای بحرانی ملی شدن نفت	فصل بیست و هفتم
۳۸۱	معاملات نفت ایران در سالهای بحرانی ملی شدن نفت	فصل بیست و هشتم
۳۹۶	مقدمات تجدید مذاکره در دولت سرلشکر زاهدی	فصل بیست و نهم
۴۱۲	مذاکرات با کنسرسیوم	فصل سیام
۴۳۸	قرارداد فروش نفت و گاز	فصل سی و یکم
۴۶۲	تعیین و پرداخت غرامت شرکت نفت انگلیس و ایران	فصل سی و دوم
۴۸۱	تأسیس شرکت ملی نفت ایران و فعالیت آن در دوزۀ بحرانی ملی شدن نفت	فصل سی و سوم
۵۰۷		کتابنامه
۵۲۵		فهرست راهنما
۵۲۹		

پیشگفتار

بیش از هفتاد سال از عمر صنعت نفت ایران می‌گذرد. به استثنای چند سال اول در هر يك از این سالها وقایع و دگرگونیهای کمابیش مهمی در جریان کار نفت ایران رخ داده است که همه آنها قابل تحقیق و ضبط در تاریخ می‌باشد، ولی در بعضی دوره‌ها تغییراتی که روی داده مخصوصاً دامنه‌دار و استثنایی، بلکه انقلابی بوده است به این معنی که صنعت نفت ایران را از خط سیر قبلی آن خارج کرده و در مسیر تازه‌ای قرار داده که توسعه و تکامل آن را به میزانی فوق‌العاده تسهیل و تسریع نموده است. بدیهی است که مهم‌ترین واقعه از این لحاظ جریان ملی‌شدن صنعت نفت می‌باشد. این مطلب واضح است که در کلیه تحولات عمده صنعت نفت در منطقه خاورمیانه ایران همواره پیشقدم بوده است. اعطای امتیاز، تجدیدنظر در امتیاز، الغای امتیاز، ملی‌کردن صنعت نفت و تأسیس شرکت ملی، مشارکت با شرکتهای خارجی، تغییر رژیم پنجاه پنجاه، ورود در بازارهای بین‌المللی، عقد قرارداد «خدمات»، همه این اقدامات اولین بار در کشور ما انجام یافته‌اند و هر يك راه را برای پیشرفت به سوی اقدام بعدی باز کرده است. موضوع این کتاب تاریخ دوره متوقف شدن جریان نفت ایران به علت ملی شدن آن است که مدت آن سه سال و نیم از فروردین ۱۳۳۰ تا مهرماه ۱۳۳۳ می‌باشد. در این کتاب درباره مطالب مربوط به سالهای قبل از ۱۳۳۰ فقط آنقدر گفته می‌شود که برای روشن شدن جریانات دوره سه سال و نیم مزبور ضرورت دارد و در خصوص وقایع بعد از سال ۱۳۳۳ یعنی تاریخ تصویب قرارداد فروش نفت (کنسرسیوم) مطلقاً بحثی به میان نمی‌آید.

خوانندگان می‌توانند مطمئن باشند که مطالب این کتاب تماماً مطابق با واقع است و در نوشتن آن منتهای دقت به‌کار رفته است که فقط از مآخذی که کاملاً قابل اطمینان است استفاده به‌عمل آید و از نقل مطالبی که معتبر بودن آن مشکوک است خودداری شود. به‌طوری که ملاحظه خواهد شد مآخذ در ضمن حواشی فصلها کلاً ذکر شده است. نکته‌ای که توجه خواننده را جلب خواهد کرد این است که در بعضی جاها که صحبت بین دو شخص یا مذاکرات يك کمیسیون یا هیئت خاصی نقل شده مآخذ آنها ذکر نشده است؛ توضیح مطلب این است که اینجانب خود در این موارد حضور داشته و جریان صحبت را با امانت کامل یادداشت کرده‌ام. به‌این مناسبت ناچار باید چندکلمه درباره‌معرفی خود در این مقدمه بگویم. در مورد مذاکرات مربوط به قرارداد الحاقی و بعد در مذاکرات بامیسیون جکسن سمت مترجمی با توافق طرفین به‌من و اگذار شد و در سالهای بحرانی ملی شدن نفت مأموریت‌های مختلفی نیز از قبیل دفاع در دادگاههای ژاپن و ایتالیا در مقابل دعاوی شرکت سابق در مورد فروش نفت به‌شرکت‌های ژاپنی و ایتالیایی و شرکت در کمیسیون صنعتی نفت (وابسته به‌سازمان بین‌المللی کار) در لاهه و مذاکره درباره‌امکان حل اختلاف با شرکت سابق چنانکه شرح آن در متن خواهد آمد، به اینجانب واگذار شد و بالاخره در طی تمام مذاکرات دولت ایران با هشت شرکت بزرگ بین‌المللی نفت در خصوص قراردادکنسرسيوم نیز اینجانب به‌عنوان مترجم و مشاور حقوقی هیئت نمایندگی ایران شرکت کردم. سوابق من در تأسیسات نفت ایران تا تاریخ عقد قرارداد کنسرسيوم عبارت از اشتغال به‌امور اداری و حقوقی در شرکت سابق و احراز سمت مشاور حقوقی در شرکت ملی نفت ایران بوده است. متعاقب تجدید سازمان شرکت ملی نفت که در نتیجه عقد قرارداد مزبور صورت گرفت دولت به‌عنوان اظهار رضایت از خدمات انجام شده مرا به‌عضویت هیئت مدیره شرکت و بعد به‌قائم‌مقامی ریاست هیئت مزبور منصوب نمود. غرض از ذکر این مطالب متوجه نمودن خواننده به‌دونکته است، یکی اینکه در بعضی جاها نقل‌کننده مطالب خود اینجانب هستم و صحت کامل آنچه را که نقل کرده‌ام به‌عهده می‌گیرم و دیگر اینکه سوابق ممتدی که در جنبه‌های مختلف کار نفت داشته‌ام به‌من در فهم و تجزیه و تحلیل جریان وقایع سه‌سال‌دو نیم مورد بحث کمک فراوانی نموده است.

پیشگفتار ۴

برخوانندگان پوشیده نخواهد بود که مسائل مربوط به صنعت نفت اعم از فنی و حقوقی و اداری به اندازه‌ای مخصوص به خود است که درک آنها بدون اطلاع مستقیم از جریان این امور بسیار دشوار بلکه غیر ممکن است.

مطلب دیگری که تذکر آن را مخصوصاً لازم می‌دانم این است که در بیان وقایع دوره مورد بحث از ورود در جنبه‌های سیاسی موضوع اعم از داخلی و خارجی خودداری شده است زیرا آنچه برای ضبط در تاریخ لازم است شرح پیشامدهایی است که رخ داده و هر چند پیشامدها غالباً مولود جریانات و تحولات سیاسی می‌باشند ولی از طرفی نگارنده هیچگاه داخل در هیچ حزب یا دسته‌ای نبوده و مطلقاً فعالیت‌های سیاسی نداشته است و به این جهت کسب اطلاع مستقیم و قابل اطمینان در این مسائل برای او ممکن نبوده است و از طرف دیگر آنچه به‌عنوان انگیزه‌ها و اعمال نظرهای سیاسی چه در ایران و چه در خارج گفته و نوشته شده است به‌حدی تعصب‌آمیز است که گذشته از مشکوک بودن خود تفسیر، حتی حقیقت آنچه هم که به‌عنوان شرح ماوقع گفته شده است مورد تردید قرار می‌گیرد، بنابراین آنچه در این کتاب گفته می‌شود صرفاً عبارت از نقل وقایع با بیطرفی کامل است و ناظر به هیچ‌گونه تفسیر سیاسی خاصی نمی‌باشد.

در طی این کتاب با پیروی از رسم بین‌المللی نگارش این گونه کتابها همه‌جا در مورد اشاره به اشخاص به‌ذکر نام آنها اکتفا و از اضافه نمودن القاب و عناوین و آوردن افعال مربوطه به‌صیغه جمع خودداری شده است. امید است این روش حمل بر عدم رعایت احترام اشخاص نگردد.

فصل اول

مفهوم ملی کردن و اصول حقوقی مربوط به آن

در سال ۱۳۳۰ دولت ایران صنعت نفت را در سراسر کشور ملی اعلام نمود. این عمل چون با الغای امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران شروع شد مخالفت شدید شرکت مزبور و دولت انگلستان و به طور کلی کارتل بین‌المللی نفت را برانگیخت و بحرانی ایجاد نمود که سه سال و نیم به طول انجامید و بالاخره با عقد قرارداد کنسرسیوم پایان یافت. طی مدت مزبور کوششهای فراوانی برای حل اختلاف بین دولت ایران و شرکت سابق به عمل آمد و مذاکرات طولانی با میسیونهای مختلف که از طرف شرکت سابق و دولت انگلستان و دیگران به ایران اعزام شدند صورت گرفت، ولی رفع اختلاف به علت عدم توافق نظر درباره مفهوم اصل ملی شدن و راهی که با اصل مزبور منطبق باشد میسر نگردید تا اینکه بالاخره دولت ایران در سال ۱۳۳۳ قرارداد فروش نفت به کنسرسیوم را به عنوان بهترین ترتیبی که تحت اوضاع و احوال وقت ممکن بود برای رفع اختلاف شرکت سابق و احیای صنعت نفت ایران برقرار شود منعقد نمود.

در طی مذاکراتی که بین دولت ایران و میسیونهای اعزامی قبل از تشکیل کنسرسیوم صورت گرفت در این باب که آیا دولت ایران قانوناً حق الغای امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران و ملی نمودن صنعت نفت را داشته است یا نه به تفصیل بحث شد ولی حتی بعد از آنکه اقدام ایران به ملی نمودن صنعت نفت مورد تصدیق و قبول قرار گرفت اختلاف نظر طرفین درباره اینکه معنی ملی شدن چیست و چه ترتیبی می‌توان برای

ادامه بهره‌برداری از نفت اتخاذ نمود که با اصل ملی شدن سازگار باشد رفع نگردید. دولت ایران با استناد به قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران اظهار می‌نمود که معنی اساسی ملی شدن این است که کلیه عملیات باید مستقیماً و منحصرأ در دست دولت قرار گرفته و تمام درآمد فروش نفت عاید دولت شود و حال آنکه نمایندگان طرف با استناد به طرز عمل بعضی کشورها، واگذاری عملیات صنعت ملی شده را به غیر، تحت نظارت دولت و تخصیص قسمتی از عواید آن را به‌عامل، مغایر اصل ملی شدن نمی‌دانستند. چگونگی این مباحثات در فصلهای آینده شرح داده خواهد شد ولی قبل از ورود در موضوع کتاب کلیاتی را درباره مفهوم ملی کردن صنایع و مسائل حقوقی که در این باب مطرح شده است به عنوان مقدمه و برای تشحیذ ذهن خواننده بیان می‌کنیم.

ملی‌کردن در مواردی که صحبت از تغییر رژیم اقتصادی کشور به طرز مطلق باشد عبارت است از انتقال کلیه وسایل تولید و مبادلات به هیئت اجتماع یعنی بیرون آوردن آنها از تصرف افراد و تخصیص آنها به جامعه برای بهره‌برداری به نفع عموم و نه به نفع مالک خصوصی، اما در کشورهایی هم که رژیم اقتصادی آنها رژیم مطلقاً ملی شده نیست ممکن است بنا بر عللی يك صنعت یا فعالیت مخصوص ملی شود. در بین تعریفهایی که برای مفهوم ملی کردن پیشنهاد شده است تعریف زیر از همه جامعتر به نظر می‌رسد:

ملی کردن عملی است ناظر به تأمین يك نفع عمومی عالی، و عبارت است از تبدیل يك شیء معین یا يك فعالیت معین - که وسیله تولید یا مبادلات به معنی اعم باشد یا در آینده بشود - به يك شیء یا فعالیت متعلق به جامعه یعنی یا به دولت یا به يك انجمن ایالتی یا به يك مؤسسه تعاونی به منظور اینکه یا فوراً یا در آینده از آن به نفع عموم و نه به نفع مالک خصوصی بهره‌برداری شود.^۱

از این تعریف معلوم می‌گردد که ملی شدن دارای دو رکن اساسی

(۱) برای توضیحات به آخر فصل مراجعه شود.